

حفاظت از محیط‌زیست در اندیشه اسلامی

سعید نباتی^۱، محمد مهدی بادامی^۲، منیره کاظمی صیام^۳

چکیده

محیط‌زیست یک واحد متکثر متغیر است که تداوم زیست مادی انسان، وابستگی تام و تمام با بقای آن دارد. این مجموعه، به سبب ارتباطش با حیات انسان بعنوان نقطه کانونی مباحث مرتبط با هدایت، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در اندیشه اسلامی برخوردار است. صدها آیه و روایت در باب این نعمت الهی در منابع اسلامی وجود دارد که می‌توان براساس آنها، یک سیستم جامع، منضبط و دارای ضمانت اجرا ایجاد نمود. در اسلام محیط‌زیست مسخر انسان است اما اینگونه نیست که او در بهره‌مندی از آن آزادی بی‌قید و شرط داشته باشد. اسلام، محیط‌زیست را امانت الهی قلمداد می‌کند و ضمن جایز شمردن بهره‌وری از منابع موجود در آن، تعدی و تجاوز به عناصر تشکیل دهنده این مجموعه را به هیچوجه جایز نمی‌داند. از این‌رو در این پژوهش سعی بر آن است براساس اندیشه اسلامی بتوان راه‌کارهایی در راستای حفاظت از محیط‌زیست بعنوان حقی از حقوق انسانی ارائه نمود. در نهایت بر مبنای اندیشه‌های اسلامی و اخلاقی در معیارهای فردی همچون: پرهیز از ضرر بر مبنای قاعده لاضرر و اجتماعی همانند امر به معروف و نهی از منکر و قانونگذاری بتوان از محیط‌زیست انسانی حفاظت نمود.

واژگان کلیدی: اسلام، محیط‌زیست، انسان، تسخیر، حفاظت محیط‌زیست

^۱ کارشناسی‌ارشد حقوق بشر، دانشگاه مفید قم snabatilaw@yahoo.com

^۲ کارشناسی‌ارشد حقوق بشر، دانشگاه مفید قم، پژوهشگر پژوهشگاه قوه قضائیه

^۳ کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور همدان

مقدمه

با آنکه مسأله حفاظت از محیط‌زیست در آغاز اسلام به معنای امروزی آن مطرح نبوده است، اما در قرآن، بعنوان مهمترین منبع شناخت دین، آموزه‌ها و اشارات فراوانی در این باب وجود دارد. "قرآن کریم در متجاوز از ۷۵۰ آیه به پدیده‌های طبیعی اشاره نموده و از آنها بعنوان آیات الهی یاد کرده است. قرآن، غالب تمثیل و توضیح‌های خود را با توسل به آثار طبیعت بیان کرده و از انسان خواسته است تا در نشانه‌های الهی تدبر کند. حتی بسیاری از سوره‌های قرآن کریم، با اسامی عناصر طبیعت نام‌گذاری شده‌اند؛ مانند بقره، رعد، نحل، نور، نمل، عنکبوت، دخان، نجم، فجر، شمس، حدید، لیل، ضحی، قمر، تین، علق و ناس" (رجبی باقرآباد، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۶). اشاره به عناصر موجود در طبیعت بعنوان آیات الهی، منحصر در آیات قرآن کریم نیست، در لسان روایات نیز مسئله محیط‌زیست هم به صورت کلی و نیز بنحو جزئی، فراوان مورد اشاره قرار گرفته است و با تکیه بر همین منابع غنی وحیانی و روایات منتصب به منادیان وحی، می‌شود این ادعا را مطرح نمود که می‌توان براساس آموزه‌های اسلام ساختاری سیستمی و مستحکم جهت حفاظت و بهره‌برداری صحیح از محیط‌زیست طراحی و اجرا کرد. بر همین اساس نباید دستورات اسلامی موجود در زمینه محیط‌زیست را منحصر در اخلاقیات توصیه‌ای دانست؛ بلکه مطالعه‌ای اجمالی در منابع دینی به خوبی نشان می‌دهد که اسلام به حدی در رابطه با حفظ محیط‌زیست و مصادیق آن پیش می‌رود و اهتمام جدی نشان می‌دهد که نه تنها ضمانت اجرای این حق را در قالب مجازات اخروی مطرح می‌کند بلکه در نظام جزایی خود، موارد تخطی و تعدی نسبت به محیط‌زیست را امری دارای کیفر دانسته و این امر مهم را با ضمانت‌های موثر حمایت می‌کند. البته از این نکته نباید غافل ماند که حساسیت در برابر تخریب محیط‌زیست به معنای عدم بهره‌برداری از منابع و مواهب موجود در آن نیست؛ چراکه انتفاع از منابع و مواهب طبیعی، حق انسان و جزء ضروریات زندگی اوست اما مهم آن است که این بهره‌برداری موجب تخریب نگردد و بقای آن هم برای نسل حاضر و آینده تضمین شود. هدف نهایی اسلام و تعلیمات الهی نیز این است که احترام و بهره‌گیری صحیح از محیط طبیعی، در جامعه نهادینه گردد و اسلوب پیشنهادی این دین مبین، سرلوحه اعمال انسان در رابطه با آن قرار گیرد. در این مقاله سعی بر آن است تا با ایضاح مفهوم محیط‌زیست، منظور از تسخیر محیط‌زیست را از منظر اسلام تبیین نموده و با ارائه اسلوب اسلامی حاکم بر رفتار انسان در رابطه با محیط‌زیست، نظام اسلامی حاکم بر مجموعه محیط‌زیست را معرفی کرده و در پایان راه‌کارهای اسلامی حفاظت و حمایت از محیط‌زیست را ارائه دهیم.

۱- ایضاح مفاهیم

از محیط‌زیست تعاریف متعددی ارائه شده که هرکدام جنبه‌های مختلفی از آن را مدنظر قرار می‌دهند. اگر ما کره زمین را در کهکشان راه شیری بعنوان نقطه کانونی بحث محیط‌زیست در نظر بگیریم، این محیط معطوف به سه بخش کلی می‌شود:

(۱) بخش زیرسطحی یا درون کره زمین؛

(۲) بخش سطحی یا روی زمین (آنچه بر روی زمین قرار دارد)؛

(۳) فضای اطراف زمین که از سطح زمین تا کرات دیگر را شامل می‌شود.^۱

در نتیجه معنی می‌تواند قابل استفاده باشد که در تعریف محیط‌زیست هر سه بخش را پوشش دهد. از لحاظ لغوی محیط‌زیست ترجمه واژه فرانسوی «environment» به معنای محیط پیرامون انسان است. اصطلاح فارسی آن، یعنی «محیط‌زیست» از دو واژه «محیط» و «زیست» ترکیب شده است. «محیط» واژه‌ای عربی از مصدر «حوط» بوده، و دو معنا دارد: یکی «احاطه کننده» و دیگری «اقیانوس» (لوتیس مالوف، ۱۹۸۷)؛ «زیست» هم واژه‌ای فارسی و به معنای زندگی است؛ بنابراین، «محیط‌زیست» به معنای محل زندگی و حیات است و آنچه که زندگی و حیات را در کره خاکی در بر گرفته است (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۹۵).

با افزایش ارتباطات جوامع انسانی خصوصاً در قرون حاضر و ایجاد سازمان‌های بین‌المللی و همچنین وجود نگرانی‌های جهانی برای حمایت، حفاظت و گسترش محیط‌زیست، سازمان‌های ملی و بین‌المللی خاص مرتبط با محیط‌زیست تأسیس شده‌اند. اساس کار این سازمان‌ها محدود به تعریف دقیق محیط‌زیست است. هرکدام از این نهادها تعریفی را برای محیط‌زیست ارائه داده‌اند که از میان تعاریف ارائه شده، تعریفی را که شورای جامعه اقتصادی اروپا در متن حقوقی محیط‌زیست به تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷م، ارائه کرده که می‌توان، آن را جامع تعاریف در باب کلی این مفهوم دانست. طبق این تعریف: «محیط‌زیست، آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به هر موجود زنده را شامل می‌گردد». علاوه بر این تعریف باید گفت که برخی محیط‌زیست را مترادف با طبیعت نیز در نظر می‌گیرند و منظور از آن «به مجموعه پدیده‌ها و موجوداتی می‌گویند که بشر در پیدایش آنها نقشی نداشته است؛ مثل زمین، هوا، آب، گیاه و ...» (یوسف‌وند، ۱۳۸۴: ۸).

^۱ نمی‌توان سطح سوم را یعنی فضای اطراف زمین را منحصر در جو اطراف زمین یا به اصطلاح علمی اتمسفر خلاصه کرد بلکه منظور از فضای اطراف زمین یعنی آنچه خارج از لایه‌ی درونی و بیرونی کره زمین است.

برخلاف موارد گفته شده در دین اسلام تعریف خاصی نسبت به محیط‌زیست وجود ندارد و محیط‌زیست نیز مانند بسیاری از موارد به صورت مصداقی و عملی مورد بحث قرار گرفته‌اند. مصادیق زیست‌محیطی مدنظر اسلام در آیات و روایات هم به صورت کلی «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ»^۱ و هم به صورت جزئی «والأنعام خلقها لكم فيها دف و منافع و منها تاكلون ... و تحمل اثقالكم الى بلدلم تکنونوا بالغيه الا بشق الانفس»^۲ مورد اشاره قرار گرفته شده است. پردازش مصداقی اسلام به بحث محیط‌زیست، به معنی گذر از مفاهیم و بی‌توجهی به آن نیست بلکه شاید بدین خاطر است که این بهترین روش جهت آموزش برای بهره‌وری و استفاده صحیح گذشتگان بوده است. اسلام دین جامعی است؛ اما این سخن بدان معنی نیست که هر آنچه در جهان هستی است می‌بایست احکام‌اش به صورت خاص و موردی در منظومه دین ارائه شده باشد، بلکه بدین معنی است که دین احکام کلی که در موارد مختلف ارائه داده، این قابلیت را دارند تا آنها را بر موضوعات گوناگون حمل کنیم. علاوه بر این، فقه پویا و تفقه کنکاش‌گران علوم اسلامی، حرکت حکم از کل به جزء را تسهیل نموده‌اند؛ بدینگونه که احکام کلی موجود را از طریق روش‌های علمی مبتنی بر دین، بر مصادیق حادث بار می‌کنند؛ که بسیاری از احکام موجود در رابطه با محیط‌زیست از این مصادر ناشی شده و می‌شوند، البته نباید از نظر دور داشت که خود دین نیز در بسیاری از موارد به صورت جزئی مواردی را مصداقی معرفی کرده و شرح داده است.

۹۶

۲- محیط‌زیست از منظر اسلام

یکی از مواردی که مورد توجه ادیان خصوصاً دین اسلام بعنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی قرار گرفته بحث خطیر محیط‌زیست و مسائل پیرامون آن است. اگر بخواهیم دیدگاه کلی اسلام را درخصوص محیط‌زیست بنحو خلاصه مطرح کنیم، می‌توانیم بگوییم که محیط‌زیست به دلیل مخلوق خدا بودن و به واسطه صادر شدن از فعل حکیم، دارای حرمت است چراکه عبث بودن در فعل حکیم راه ندارد. در نتیجه هرچند برمبنای آیات و روایات، خلق آن برای رفع احتیاجات خلیفه‌اله است، اما نظام موجود در این مجموعه نیز در دایره هستی از شأن و اعتبار برخوردار می‌باشد. به همین دلیل، انسان بعنوان جانشین خداوند و نماینده او باید به آن با دیده احترام و امانت الهی بنگرد. در اسلام می‌توان مهمترین دلیل اهمیت بحث محیط‌زیست را از آن جهت دانست که با وجود انسان رابطه‌ای تنگاتنگ دارد؛ چراکه محیط‌زیست زمینه‌ساز رشد استعدادهای

^۱ خداوند آنچه را در طبیعت برای بهره‌برداری انسان قرار داد، طبیعت دانسته و چنین نعمتی را مایه کرامت انسان معرفی کرده است (سوره اسراء: آیه ۷۰).

^۲ چهارپایان (گاو، گوسفند و شتر) را برای استفاده شما آفرید، در آنها تن‌پوش و سودهای دیگر است، و از گوشت و شیر آنها تغذیه می‌کنید ... و بارهای شما را به سرزمین‌هایی می‌برند که جزء سختی بدان نخواهید رسید (سوره نحل: آیات ۵ و ۷).

بشری و بستر ظهور، تولد، تکامل و توسعه همه اندیشه‌های اوست و همچنین عرصه‌ای است که در پرتو آن می‌توان از انسان و حقوق وی دم زد (گروه صلح و دموکراسی حقوق بشر، ۱۳۸۹: ۹). علاوه بر این موارد، با مطالعه متون مقدس موجود و همچنین سیر در سیره معصومین (ع) می‌توان گفت که شناخت اصول زیست-محیطی و تحصیل آن و همچنین پرهیز از تخریب و سعی بر سالم‌سازی این مهم، از بارزترین حقوق انسانی و روشن‌ترین تکالیف بشری به شمار می‌رود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۸۴).

آنچه از دین اسلام استنباط می‌شود نشانگر این واقعیت است که تعالیم اسلامی در برگیرنده مباحث مربوط به محیط‌زیست، شامل این موارد است:

نحوه استفاده از منابع طبیعی، نحوه ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهمتر نحوه نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط بین آنها؛ و از نظرگاه دین نه تنها انسان، بلکه تمامی موجودات دیگر از جمله حیوانات و گیاهان و حتی جمادات حقوقی دارند و همه این عناصر اگر در خدمت انسان قرار داده شده‌اند؛ برای تحقق هدف اصلی آفرینش آدمی، یعنی قرب الی‌اله بوده است (نورائی، ۱۳۹۱: ۲۰). به همین دلیل است که از منظر قرآن، موجودات طبیعی که مخلوق و آفریده خدا هستند، موجوداتی بی‌روح و بی‌جان نیستند بلکه این موجودات به علت نحوه رابطه‌ای که با خداوند دارند، مقدس هستند و هیچگاه قداست و معنویت از آنها منفک نمی‌شود. همه اجزای طبیعت همواره تسبیح‌گوی خداوند می‌باشند. «یسبح‌اله ما فی السموات و الأرض...»^۱ ۹۷ کوه، دشت، دریا و درختان که در نظر علوم تجربی موجوداتی گنگ و خاموش بوده که تنها بعنوان مواد خام و برای بهره‌برداری بی‌رحمانه انسان پدید آمده‌اند، از نظر اسلام درک و عاطفه دارند (اکبری‌راد، ۱۳۸۷: ۱۹). رسول خدا با اشاره به کوه اُحد می‌فرماید: «هذا اُحد، جبل یحبنا و نحبه؛ این کوه اُحد است، ما را دوست می‌دارد و ما نیز آن را دوست می‌داریم» (شاذلی، ۱۴۰۰: ۲۶). به همین دلیل بخش مهمی از احکام شریعت به موضوع حقوق حیوانات و تبیین وظایف انسان در قبال آنها اختصاص دارد، اهمیت حقوق حیوانات در فقه اسلامی تا آنجاست که برخی از فقیهان آن را در زمره حق‌اله دانسته‌اند (نجفی، ۱۹۸۱: ۱۱۱). آنچه از مباحث فقهی در کتاب لقطه پیرامون وظایف انسان در قبال لقطه حیوان و صیانت از حیات و تامین نفقه او آمده است در همین چهارچوب تحلیل می‌شود (فخلعی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۵).

^۱ سوره جمعه: آیه ۱.

۲-۱- محیط‌زیست مسخر انسان

در باب جایگاه انسان اینگونه باید گفت که گرچه هر موجودی زیبا خلق شده است و انسان نیز همانند دیگر مخلوق‌ها از حسن نفسی برخوردار است، لیکن چون می‌تواند خلیفه خداوندی شود که عالم و آدم را می‌آراید، لذا نسبت به موجودهای دیگر از حسن زاید قیاسی و سنجشی بهره می‌برد که مخلوقات دیگر فاقد آنند، لذا خدای سبحان بعد از تبیین نظام آفرینش انسان، چنین فرمود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۱. اگر موجودی بهتر از انسان یافت می‌شد، خداوند هنگام آفریدن آن موجود زیباتر از انسان، خود را بعنوان احسن الخالقین معرفی می‌کرد و چون نهایت زیبایی در جمع بین کمال عقل و جمال حس است، لذا طاووس توان تقابل با انسان را ندارد؛ گرچه امیر المومنین علی (ع) از نظم خاص و ضد ویژه طاووس خبر داد و در اینباره فرمود: «و من أعجبها خلقاً الطاووس الذی أقامه فی أحکم تعدیل و نَصَدَّ ألوانه فی أحسن تنضید»^۲ (جوادی آملی، پیشین: ۲۱).

دلیل دیگری که اثبات می‌کند انسان خلیفه خداوند است کرامت وی می‌باشد و باید گفت که کرامت انسان موهون خلافت اوست زیرا جانشین موجود کریم از کرامت برخوردار است و خلیفه آن است که در تمام شئون علمی و عملی خود تابع مستخلف عنه باشد؛ برابر علم او اندیشه پیدا کند و مطابق اراده او صاحب انگیزه باشد. اگر موجودی دعوی خلافت کند ولی مطابق مستخلف عنه نیندیشد و انگیزه پیدا نکند، او در ادعا صادق نیست، بلکه غاصبانه بر کرسی خلافت تکیه زده است. مهمترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین و نجات آن از هرگونه تهاجم و تیرگی است. مقصود از زمین، گستره زیست بشر است (اکبری‌راد، پیشین: ۱۹-۱۸). نکته‌ای که در اینجا لازم است شرح داده شود، حاکمیت مقتدرانه انسان بر طبیعت یا همان تسخیر از منظر دین مبین اسلام است.

۹۸

۲-۲- نگاه اسلام به مقوله تسخیر

واژه «تسخیر» مصدر باب تفعیل از ماده «سخر» چند معنا را بر می‌تابد: رام ساختن، فرمان بردار کردن، و داشتن به کاری بدون پرداخت مزد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۲). طبرسی، تسخیر را به معنای رام کردن دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۸۵). طباطبایی نیز در موضعی چنین نگاشته: «تسخیر» به معنای وادار کردن فاعل به فعلش است، بطوریکه فعل خود را به اراده خود انجام ندهد، بلکه آن را به اراده تسخیر کننده انجام دهد، همانطور که نویسنده، قلم را وا می‌دارد تا به اراده او بنویسد (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۳۴۲). بنابراین تسخیر عبارت است از رام نمودن چیزی برای رسیدن به هدفی معین.

^۱ سوره مومنون: آیه ۱۴.^۲ نهج البلاغه: خطبه ۱۶۵.

با فحص در آیات نورانی قرآن کریم در می‌یابیم که آیات مرتبط با موضوع تسخیر طبیعت، به سه گروه دسته‌بندی می‌شوند:

گروه اول: آیاتی که با بکارگیری تعبیر «سَخَّرَ لَكُمْ»، به رام بودن کل محیط زیست و یا برخی اجزا و عناصر آن برای انسان‌ها اشاره دارد، مانند: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان ۲۰، رعد/۲، ابراهیم/۳۲-۳۳، نحل ۱۴-۱۲، حج ۶۵)، آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، مسخر شما ساخته است؟

گروه دوم: آیاتی که با بکارگیری تعبیری مانند «خَلَقَ لَكُمْ»، «جَعَلَ لَكُمْ» اشاره به تسخیر هستی برای آدمی دارد؛ مانند «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره/۲۹، ملک/۱۵، اسراء/ ۷۰-۶۶، طه/ ۵۴-۵۳).

گروه سوم: آیاتی که بیانگر رام بودن طبیعت برای برخی از رسولان الهی و اعجاز‌آمیز بودن آن است؛ مانند «فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ» (ص/۳۶، بقره/۶۰، اعراف/۷۳، هود/۶۴، انبیاء/ ۷۹)؛ پس ما باد را مسخر او ساختیم تا به فرمان‌اش به نرمی حرکت کند و به هر جا می‌خواهد، برود. با ملاحظه مفاد آیات سه‌گانه می‌توان گروه اول و دوم را آیات تسخیر عام و آیات گروه سوم را تسخیر خاص نام نهاد.

در نتیجه هر چند از نظر قرآن کریم طبیعت در سخره بشر قرار گرفته است، ولی این بدان معنا نیست که بشر بدون هیچ قید و شرطی در تباہ کردن آن آزاد باشد، بلکه انسان باید در محدوده قیود و شرایط قوانین الهی ۹۹ عمل کند و باتوجه به اینکه او خلیفه خداوند است و قدرتی که از ناحیه خداوند به وی اعطاء شده صرفاً برای زندگی موقت در زمین و نهایتاً بازگشت همه به سوی اوست، به بهره‌برداری از طبیعت بپردازد. قدرتی که به بشر اعطاء گردید، مطلق نیست، بلکه محدود به قید مسئولیت است، آن هم نه تنها نسبت به خداوند، بلکه نسبت به همه انسان‌ها و بلکه نسبت به کل آفرینش (محقق داماد(الف)، ۱۳۷۶: ۲۸۲).

از آنچه گفته شد معلوم می‌شود که طبیعت و محیط‌زیست حق همه انسان‌ها در همه دوران‌هاست. بنابراین، در مقابل حق استفاده‌ای که خداوند برای انسان در محیط‌زیست و طبیعت قائل شده است، وظیفه‌ای نیز برعهده او گذاشته است که آن، حفظ، حمایت و بهره‌برداری صحیح از محیط‌زیست است؛ زیرا هدف خداوند از در اختیار گذاشتن طبیعت برای انسان این است که جهت رفاه، آسایش و تکامل خود از آن بهره‌مند شود. بنابراین، اگر در استفاده از این امکانی که در اختیار او قرار گرفته، زیاده‌روی کند، برخلاف آن هدف متعالی اقدام کرده که نتیجه‌اش به خطر افتادن حیات خود او و دیگران و بازماندن از سیر تکاملی در مسیر سعادت دنیا و آخرت خواهد بود (فیروزی(ب)، ۱۳۸۴: ۷۴).

۲-۳- اسلام، انسان و محیط‌زیست

براساس دیدگاه اسلام، انسان در روابط خود با عناصر موجود در طبیعت نباید جانب عدالت را فرو گذارد و استفاده او از آنها باید معقولانه و متعادل باشد. در تعالیم اسلامی بین طبیعت و نیازهای انسان تعادل و هماهنگی ویژه‌ای برقرار است که ریشه در ارتباط مقرر و مقدر این دو دارد. اولین موضوع اینکه ماده اولیه خلقت انسان از طبیعت برگرفته شده است. به این ترتیب قرابتی بین انسان و طبیعت وجود دارد و از طرفی موضوع دیگری که قابل طرح است بحث تسخیر طبیعت برای انسان است و معمولاً از این اصل بعنوان ارجحیت و کرامت انسان بر سایر موجودات و مخلوقات یاد می‌شود. در تعریف و تبیین رابطه انسان و طبیعت در تفکر اسلامی سه مورد اساسی قابل ذکر است. اول اینکه طبیعت بعنوان بستر حیات انسان تلقی می‌شود و به این ترتیب به سلامت و ابقای آن و همچنین به اجتناب از فساد و تباهی در آن توجه جدی باید مبذول گردد. دوم اینکه به طبیعت باید بعنوان مجموعه‌ای از آیات الهی نگریسته شود؛ و سوم اینکه طبیعت بعنوان الگو و مثالی برای فعالیت‌های انسان تلقی گردد (نقی‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۵۹).

از طرفی رابطه انسان با طبیعت و محیط‌زیست را به دو روش اصلی که بر دو نگرش به طبیعت استوار هستند قابل تقسیم و طبقه‌بندی می‌باشند: روش وحدت‌گرایانه و روش سودگرایانه. روش وحدت‌گرایانه روشی است که با معرفی انسان بعنوان یکی از موجودات عالم هستی که باید در قالب قوانین حاکم بر عالم وجود که ریشه در ماورای طبیعه دارند عمل و فعالیت نماید، جهت و ویژگی‌های رابطه انسان با طبیعت را مشخص می‌نماید. اهم این قوانین عبارتند از عدالت، توازن، هماهنگی، اصلاح، عمران، کمال‌بخشی و اصول ارزش‌هایی از این دست، به همراه احتراز اعمالی چون اسراف، تبذیر، فساد، ظلم، و صفات مذمومی از این قبیل. این روش عالم هستی را بعنوان کلیتی واحد تلقی می‌نماید که جملگی قوانین حاکم بر آن بیانگر وحدت آن هستند و انسان بعنوان یک جزء هوشمند و مسئول مکلف مجموعه عالم هستی باید در بهره‌گیری و استفاده از طبیعت، قوانین مسلط بر آن را فراموش ننموده و حتی فراتر از آن در جهت تقویت آنها حرکت نماید. روش دوم روش سودگرایانه است که برپایه تفکر انسان محوری سودجو و منفعت‌طلب و زیاده‌خواه استوار می‌باشد و تمرکز اصلی خویش را بر استیلا بر طبیعت به منظور دریافت حداکثر سود و منفعت قرار داده است. در روش اول حفاظت از محیط و وحدت با طبیعت نتیجه تفکر و جهان‌بینی حاکم بر انسان بوده که همیشه رعایت می‌شده و باید رعایت شود. در حالیکه در روش دوم ابتدا تخریب طبیعت به وقوع پیوسته و بعد از آن تنها در جهت همان تفکر سودگرایانه که موجد وضعیت نامناسب بوده است، حفاظت از محیط‌زیست توصیه می‌شود (همان، ۱۶۱-۱۶۲).

۳- نظام اسلامی حاکم بر محیط‌زیست

زمانیکه سخن از محیط‌زیست به میان می‌آید ما با یک واحد متکثر متغیر روبرو هستیم. منظور از تکثر موجود در مجموعه محیط‌زیست، تنوع غیرقابل شمارش اعضای این مجموعه بوده و مراد از متغیر بودن آن این است که چون محیط‌زیست تعلق به جهان ماده دارد محکوم به تغییر و دگرگونی است. این مجموعه از نظر اسلام محترم است و به همین جهت ناپود ساختن طبیعت، امری منفور و نارواست و در آیات و روایات فراوانی، انسان از تخریب طبیعت و ناپود ساختن حیوانات و گیاهان که موجب نابودی و انقراض نسل آنان شود، نهی شده است. البته پیداست که حیواناتی از قبیل عقرب، مار و گرگ و ... که درصدد آزار رساندن به انسان باشند، از این دستور مستثنی هستند. معصومین (ع) در هر جا که سخن از کشتن حیوان به میان آمده منع فرموده‌اند، مگر اینکه در معرض آسیب رساندن به انسان باشند. به عبارت دیگر، اصل اجتناب از قتل جاندار است، هر جانداری که باشد مگر آنکه در معرض آسیب رساندن به انسان باشد و آسیب رساندنش قابل تحقق باشد و احتمال عقلانی داشته باشد و گرنه صرف اینکه در بیابان‌ها مار و عقرب وجود دارد و در معرض آسیب رساندن به کسی نیستند ما مأمور نیستیم دنبال آنان بگردیم و آنها را بکشیم (احمدی، ۱۳۶۴: ۶).

احترام به محیط‌زیست در قاموس اسلام تنها شامل توصیه به رعایت حدود نیست بلکه در اسلام سخن از حق و تکلیف در باب محیط‌زیست است. در این خصوص از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: حقوق دام‌ها ۱۰۱ و حیوانات بر آدمی عبارتند از: تغذیه آنها حتی اگر این حیوانات مریض و پیر باشند بطوریکه دیگر هیچ فایده‌ای نداشته باشند، اینکه حیوانات را بیش از حد توان‌شان بار نکنند، اینکه آنها را در کنار چیزی قرار ندهد که به آنها جراحی وارد شود، خواه، این چیز از نوع خودشان باشد و خواه از نوع دیگر، نظافت محل نگهداری حیوان، دشنام ندان به حیوان، اینکه حیوانات را به جان هم نیندازند و اینکه شبانه به لانه حیوان نرود. حتی در مورد استفاده از حیوانات حلال گوشت آدابی در رابطه با ذبح این حیوانات ذکر شده است (تقی زاده انصاری، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۶).

حفاظت از حیات گیاهان و اهتمام به احیای طبیعت از دیگر مسائل مورد عنایت شریعت می‌باشد. روایات زیادی در باب نهی از قطع درختان و تلاش برای آبادانی زمین‌های قابل کشت در منابع اسلام وارد شده است. البته باید متذکر شد که دلیل صدور چنین احکام سختگیرانه‌ای در رابطه با قطع درختان در وضعیت آب و هوایی شبه جزیره عربستان که سرزمینی خشک و صحرائی می‌باشد، بوده است که در آن فضای سبز و آب شیرین بسیار اندک است و کاملاً روشن است که در چنین محیطی از بین بردن یک درخت و یا تخریب یک قنات آب چه تاثیر ناگواری برای ادامه حیات مردمی که پیوسته در حال کوچ و در جستجوی آب و چراگاه بودند چه مشکلاتی را به وجود می‌آورده است. اما در مکان‌هایی که آب و درختان به وفور یافت می‌شوند

استفاده معمول از آنها توصیه شده است چرا که در صورت قطع درختان امکان احیای آنها به سرعت وجود دارد (همان، ۳۱). همچنین طرح دو قرارداد مزارعه و مساقات در عقود اسلامی و احکام مبسوط آن دو و بحث احیای اراضی موات که مباحث آن یکی از فصول مهم فقه است بیانگر اهمیت احیای طبیعت و محیط‌زیست گیاهی است (فخلعی و دیگران، پیشین: ۴۸).

خسارات زیست‌محیطی بگونه‌ای است که تعادل زیست‌محیطی را بر هم زده و فاجعه‌های زیست‌محیطی را به ارمغان می‌آورد؛ برای مثال آلوده ساختن هوا، آب دریاها و رودخانه‌ها، تخریب جنگل‌ها و فعالیت‌های تاثیرگذار مناطق صنعتی بر لایه ازن از مصادیق تخریب محیط‌زیست بوده و برطبق قاعده لاضرر و اتلاف، مسبب این پیامدها گناهکار بوده و از نظر حکم وضعی ضامن است. براساس قاعده اتلاف «من أتلف مال الغير فهو له ضامن» جدای از حکم عقل و بنای عقلاء، آیات و روایات در این زمینه می‌باشد. عقل حکم می‌کند که دین اسلام، که مالکیت را محترم شمرده، حتماً اتلاف مال غیر را ممنوع بداند و جبران آن را لازم بشمارد، چون این امر لازمه احترام مالکیت است (محمدی، ۱۳۸۰: ۳۰). بر این اساس، عقل بطور مستقل و صرف‌نظر از اینکه در شریعت درباره ممنوعیت زیان به اشخاص و جامعه و محیط‌زیست مقرراتی وجود داشته باشد، خود بطور ذاتی و طبیعی، هرگونه اقدامی را که منجر به برهم خوردن تعادل و توازن محیط‌زیست گردد و باعث خسارت به عناصر زیست‌محیطی شده و موجب اختلال در نظام زندگی و هلاکت نوع بشر و افساد در زمین بشود را ممنوع می‌داند (محقق داماد(ب)، ۱۳۸۸: ۱۵۱).

۱۰۲

همچنین در کتب فقهی، روایات زیادی مستند این قاعده قرار گرفته است که جملگی دلالت بر احترام و مصونیت اموال، حقوق، خون و آبروی مسلمان دارد و عامل زیان را ضامن می‌شناسد. از جمله این روایات، موثقه ابی بصیر و روایت عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم که آن حضرت فرمود: «سباب المومن فسوق و قتاله کفر و اکمل لحمه معصیه و حرمه ماله کحرمه دمه» (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۶۱۰). بنابراین مال قابل احترام است و باید از تعدی و تجاوز مصون باشد و در صورت تعدی و تجاوز موجب مسئولیت مدنی و ضمان می‌گردد. بر این اساس، هر شخصی که اقدام به تخریب و اتلاف اموال، چه اموال خصوصی و چه اموال عمومی بنماید، مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد و بر کسی پوشیده نیست که محیط‌زیست را بطور کلی می‌توان مهمترین مصداق مال عمومی دانست. از قضاوت‌های حضرت علی نیز در مورد مسئولیت کسانی که به عناصر زیست-محیطی آسیب وارد می‌کنند روایتی رسیده است که حضرت در مورد کسی که حیوانی را بیهوده به قتل برساند، یا درختی را قطع نماید، یا کشتزاری را خراب کند، یا خانه‌ای را ویران سازد، یا چاه آب یا نهری را از بین ببرد، حکم فرمود که: باید قیمت آنچه را که تخریب نموده و از بین برده است جبران کند و چنانچه عمل او عمدی بوده باشد، باید تعزیر هم بشود؛ ولی اگر عمل او خطائی بوده و تعدی در کار نباشد فقط باید غرامت پرداخت کند و حبس و تأدیب ندارد و اگر حیوانی را ناقص نماید باید تفاوت قیمت آن را پرداخت

نماید (نوری، ۱۴۰۸: ۹۵-۱۷). از قضاوت حضرت دو نکته به دست می‌آید: یکی اینکه تخریب و اتلاف عمدی محیط‌زیست، علاوه بر مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری را نیز در بر دارد. نکته دیگر، شمول قاعده اتلاف نسبت به عمد و غیرعمد است (محقق داماد(ب)، پیشین: ۱۱۴).

۴- آموزه‌های اسلامی جهت حفاظت از محیط‌زیست

اسلام همواره در آموزه‌های نورانی خود طبیعت را امانتی می‌داند که خداوند در اختیارشان قرار داده تا براساس رهنمودهای ارائه شده از جانب دین عمل کنند، هرگاه آدمیان براساس این آموزه‌هایی که اسلام بیان می‌دارد گوش جان بسپارند و عمل نمایند، مشکلات فراوان زیست‌محیطی که اکنون با آن مواجه هستیم رخت بر می‌بندد، این آموزه‌ها عبارتند از: (۱) آموزه‌های فردی؛ (۲) آموزه‌های اجتماعی؛ (۳) آموزه‌های اخلاقی.

۴-۱- آموزه‌های فردی

از مهمترین آموزه‌های فردی اسلام در حفاظت از محیط‌زیست به سه مورد اشاره کرد: یکی نظافت شخصی (پرهیز از آلوده کردن محیط)، دوم پرهیز از ضرررسانی و اتلاف منابع عمومی.

۴-۲- نظافت شخصی

در اسلام اصل بر این است تا با تربیت انسان، خود او را به نگهداری از محل زندگی خود وادارد و اتفاقاً چنین روش‌هایی در عمل بهتر جواب داده است. تأکید بر نظافت در دین مبین اسلام (اعم از نظافت شخصی، منزل و محیط) وارد شده و حتی از اصول و نشانه‌های ایمان دانسته شده است. افزون بر این، خداوند عبادات خود را با نظافت قرین ساخته است. وضو و غسل که مسلمانان به آن رهنمود شده‌اند، به نظافت تعلیل شده است (فراهانی فرد، ۱۳۸۵: ۱۰۷-۱۰۶).

۴-۳- آموزه‌های اجتماعی

دین مبین اسلام، مکتبی اجتماعی است و بخش مهمی از آموزه‌های آن نیز با نگاه کلان و قرار داشتن فرد در اجتماع تشریح شده است. درخصوص مسأله محیط‌زیست هم خداوند متعال به احکام فردی بسنده نکرده و برای تحقق این امر مهم در قالب احکام اجتماعی راه‌کارهایی ارائه داده است از جمله: حکومت اسلامی و تدوین قوانین زیست‌محیطی، آموزش حفاظت از محیط‌زیست، امر به معروف و نهی از منکر، تأکید بر استفاده اصولی از جنگل‌ها و مراتع، تأکید بر بهره‌گیری منطقی از منابع حیوانی (شکار و صید) را می‌توان نام برد.

۴-۴- رهنمودهای اخلاقی

نظریات اخلاقی مبتنی بر جهان‌بینی هستند. در مکتب توحیدی اسلام، نفس انسان، واحد و متشکل از دو بعد مادی و روحانی است. که کارهای اخلاقی انسان از بعد روحانی نفس وی سرچشمه می‌گیرند. نکته مهم این است که تمام ردایل اخلاقی از خود غیرواقعی یا خود حیوانی نشأت می‌گیرند و خود واقعی یا ملکوتی به خوبی‌ها و فضایل امر می‌کند (نبوی و شهریار، ۱۳۹۳: ۷۹). به عبارتی اسلام با تاکید بر نفس روحانی انسان، تعامل مناسب انسان و محیط‌زیست را بر مبنای خودشناسی و صیانت نفس بنا می‌نهد و با توجه به ویژگی‌های این رهیافت، می‌توان آن را پاسخگوی نیاز انسان امروز در تعامل با طبیعت یعنی، ایجاد حس یگانگی با تمامی مخلوقات خدا دانست (عابدی سروستانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۰).

۵- راهکارهای مستنبط از آموزه‌های اسلام، جهت حفاظت از محیط‌زیست**۱-۵- وضع و تدوین قوانین زیست‌محیطی توسط حکومت اسلامی**

یکی از وظایف حکومت اسلامی در زمینه محیط‌زیست، تضمین اجرای صحیح کامل قوانین و مقررات زیست-محیطی است، حکومت باید تدابیری بیندیشد که پس از تدوین و وضع قانون، آن را اجراء کرده و با قانون-شکنان نیز برخورد کند. چراکه اگر هر فرد یا جمعی که در بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط‌زیست، پا را از حد اعتدال فراتر نهد و به محیط‌زیست بعنوان سرمایه همه انسان‌ها تعدی و تجاوز نماید، آسایش زیستی انسان را برهم زند، حکومت اسلامی باید با استفاده از قوه قهریه جلوی این رفتارها را بگیرد در غیر این صورت، عده‌ای قلیل با رفتار ناهنجار خود محیط‌زیست را که حق همگانی است به فساد و تباهی و ویرانی خواهند کشاند. در حکومت اسلامی هر کسی که مسئولیتی را برعهده می‌گیرد و مسئول بخشی از بخش‌های حکومت اسلامی می‌شود، موظف است هر آنچه را که برای حفظ حیات، سلامت و حیثیت اجتماعی و مانند آن نسبت به خود بکار می‌برد، برای توده مردم نیز تامین کند، اگر خود از بهداشت و محیط سالم برخوردار است، موظف است آن را برای تمام شهروندان فراهم نماید (فیروزی(الف)، ۱۳۸۲: ۱۸۳). چرا که امیرالمومنین (ع) خطاب به استاندار محمد بن ابی‌بکر می‌فرماید: «آنچه برای خود و خانواده‌ات دوست داری، برای توده مردم نیز دوست بدار و آنچه برای خود و خانواده‌ات نمی‌پسندی، برای آنان نیز می‌پسند، زیرا این کار حجت را تمام‌تر می‌کند و در اصلاح امت موثرتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷).

۲-۵- آموزش عمومی

آموزش، ابزار رشد و شکوفایی جسم و روان و شخصیت انسان است. آموزش از یکسو جزء حقوق فردی می‌باشد و از سوی دیگر جزء حقوق اجتماعی است. به عبارتی حق بر آموزش چند بعدی است. در جنبه اجتماعی

بودن حق بر آموزش ایجاب می‌کند که دولت کنترل آموزش را در جامعه بعنوان امری عمومی برعهده گیرد و سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم را در جهت ایجاد سازگاری بین انسان و محیط‌زیست را انجام دهد. تاکید دین مبین اسلام بر آموزش و سوادآموزی در تمام زمینه‌ها برکسی پوشیده نیست و براساس آن باید در نظر داشت که آموزش زیست‌محیطی مدنظر اسلام بگونه‌ای است که تمام جنبه‌های انسان، محیط‌زیست و جهان هستی را در یک ارتباط هماهنگ و موزون در مسیر الهی مورد توجه قرار داده و بین آنها ارتباط ایجاد می‌نماید. بر این اساس، آموزش زیست‌محیطی بایستی انسان را متوجه مقام خلیفه الهی‌اش نموده و از طریق پرورش صفات الهی که بطور بالقوه در فطرت الهی انسان قرار داده شده است آنها را فعلیت بخشیده و به عبارتی دیگر، با استعانت از مایه‌های فطری انسان، بایستی او را برای احراز این مقام آماده کند. ناآگاهی، کم‌آگاهی و پایین بودن سطح فرهنگ عمومی مردم، از جمله عوامل تخریب محیط‌زیست به حساب می‌آید و می‌تواند زمینه سوء استفاده عده‌ای را در تجاوز به منابع خداداد و سرمایه‌های ملی فراهم کند. گاهی این روند نامطلوب، طوری برای مردم غفلت می‌آورد که دیگر مشاهده تخریب و نابودی محیط‌زیست و منابع و ثروت‌های ملی و یا شنیدن اخبار آن برایشان چندان مهم جلوه نمی‌کند و به راحتی از کنار آن می‌گذرند (اصغری لقمجانی، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

۵-۳- امر به معروف و نهی از منکر

آنچه از مذاق شارع استنباط می‌شود، این است که بسیاری از اهداف اجتماعی، در مرحله اول از طریق خود مردم صورت گیرد و ضمانت اجرای آنها نیز خودشان باشند. تاسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر یا نهاد حسبه و قرار دادن آن در کنار نماز و روزه و ... و در جایگاه یکی از فروع دین، شاهد بر اهتمام مکتب بر این فرآیند است. در قرآن آیات بسیاری درباره این نهاد وجود دارد و روایات نیز درباره آن فراوان سخن گفته‌اند. در زمینه مسأله مورد بحث، به لحاظ اینکه عموم مردم خود را در آن سهیم می‌دانند، انگیزه فراوان برای انجام این فریضه وجود دارد و نوعی نظارت عمومی برچگونگی استفاده از منابع و حفظ محیط را فراهم می‌کند (فراهانی‌فرد، پیشین: ۱۱۰-۱۰۹).

۵-۴- نظارت موثر بر بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع

جنگل‌ها و مراتع بعنوان بخش عمده‌ای از انفال به حساب می‌آیند که بعنوان ثروت‌های عمومی در اختیار حکومت عدل اسلامی قرار می‌گیرد و باید به نفع مردم استفاده گردد. به علاوه جنگل‌ها و مراتع بعنوان یکی از مواهب بزرگ الهی بستر حیات مادی، اجتماعی و اقتصادی، میراث نسل‌ها، عامل نگهدارنده تعادل اکولوژیک، پشتوانه کشاورزی و بعنوان محور توسعه‌اند؛ که باید جایگاه واقعی خود را در برنامه‌ریزی و مدیریت

هر جامعه‌ای پیدا نموده و حفظ شود. تخریب جنگل‌ها و مراتع موجب بهم خوردن تعادل جریانات آبی و فرسایش خاک‌ها شده و در نهایت موجب بهم خوردن تعادل زیست‌محیطی خواهد بود. تخریب و نابودی جنگل‌ها و مراتع باعث می‌شود تا آب در ماه‌های پرباران سال در بعضی نقاط به جای آنکه مایه حیات جلوه‌گر شود به صورت یک عامل مخرب و ویرانگر ظاهر شود و یا با وزیدن باد شن‌ها روانه شهرها گردد و باعث شیوع بیماری‌های مضر گردد و سرمایه‌های انسانی جامعه را مورد تهدید قرار دهد. سخنی از پیامبر رحمت (ص) نقل شده که در رابطه با رفتار نظامیان در جنگ‌ها می‌باشد و همین سخن گهربار می‌تواند قوی‌ترین دلیل جهت نظارت دقیق بر بهره‌برداری از پوشش گیاهی باشد. سید انبیا می‌فرماید: «از کشتن زنان، کودکان و پیرمردان بپرهیزید و به هیچ وجه درختان به ویژه درخت خرما را قطع نکنید». در این حدیث دو نکته قابل توجه است: اولاً قطع درخت در ردیف کشتن کودکان، زنان و پیرمردان قرار گرفته، دوم اینکه وقتی در بحران جنگ، بریدن درختان جایز نباشد بطور روشن و موکدتر در زمان برقراری صلح و آرامش نیز این کار جایز نخواهد بود (اصغری لقمجانی، پیشین: ۱۸۰-۱۷۶).

۵-۵- بهره‌گیری منطقی از منابع حیوانی (شکار و صید)

انسان با تخریب محیط‌زیست و ایجاد انواع آلودگی‌ها، روابط زیستی جانداران مختلف را به مخاطره انداخته است. در خصوص منابع حیوانی تاکنون صدها هزار نوع از انواع موجودات زنده به علت مداخله بی‌رویه بشر از بین رفته و صدها هزار نوع دیگر در معرض خطر شدید قرار گرفته‌اند. از آنجا که منابع صید و شکار (اعم از پرندگان، ماهیان و سایر جانوران شکاری) نیز بعنوان بخشی از منابع طبیعی به حساب می‌آیند؛ چرا که محیط‌زیست برای موجودات زنده حاصل مجموعه‌ای از تعادل‌ها است که برهم خوردن هر کدام از تعادل‌ها، ضمانت دوام زندگی را تضعیف می‌کند. بنابراین بهره‌گیری از منابع حیوانی (صید و شکار) باید بگونه‌ای صورت گیرد که به حد مجاز تجدیدپذیری آن منبع صدمه‌ای وارد نشود و همچنین موجبات پایدار ماندن آن ذخایر طبیعی را فراهم نماید" (بابایی مهر، ۱۳۸۹: ۱۶۸).

نتیجه‌گیری

محیط‌زیست به دلیل ارتباطی که با حیات انسانی دارد از اهمیت ویژه‌ای نزد ادیان خصوصاً دین اسلام برخوردار است. هرچند در ادبیات اسلامی اصطلاح محیط‌زیست با مفهوم امروزی وجود ندارد اما منابع اسلامی از آن غافل نبوده و براساس آموزه‌های اسلامی وارد شده می‌توان گفت که در اسلام رویکردی سه‌گانه به محیط‌زیست وجود دارد: الف) استفاده منادیان وحی از عناصر موجود در محیط‌زیست برای تفهیم مباحث خود به مخاطبان، ب) اشاره به محیط‌زیست بعنوان کلیتی واحد و تحت اقتدار پروردگار و امانتی الهی در نزد

انسان که دارای حقوق و احترام است، ج) نشان دادن اهمیت آن و ارائه راهکارهای متقن و معقول برای حفاظت و حمایت از آن.

در دیدگاه اسلامی، محیط‌زیست بعنوان امانتی الهی در اختیار انسان بعنوان اشرف مخلوقات قرار گرفته و بر همین اساس بر حرمت یا عدم جواز و ممنوعیت تخریب عمدی و غیرضرور محیط‌زیست تاکید فراوان شده است. شکستن درختان، آلوده کردن آب‌ها، کشتن حیوانات و در مقابل سفارش به درختکاری و آبادسازی اراضی، اصلاح الگوی مصرف و جلوگیری از اسراف و تبذیر، احترام به حقوق حیوانات و ... نمونه‌هایی است که در مورد هر کدام از آنان، توصیه‌ها و احکام فراوانی در منظومه اسلامی آمده است. در این میان راهکارهای اسلامی حفظ محیط‌زیست دارای قوت فراوانی است. راهکارهای دینی را می‌توان به دو دسته آموزه‌های فردی و اجتماعی تقسیم کرد. آموزه‌های فردی به مسائلی چون نظافت شخصی و پرهیز از ضرررسانی و اتلاف منابع عمومی برطبق قاعده لاضرر و اتلاف هرگونه اقدامی که منجر به برهم خوردن تعادل و توازن محیط‌زیست گردد را ممنوع می‌داند و رهنمودهای اخلاقی که از بعد روحانی انسان سرچشمه می‌گیرند؛ به عبارتی اسلام با تاکید بر نفس روحانی انسان، تعامل مناسبی را بین انسان و محیط‌زیست بر مبنای خودشناسی و صیانت نفس بنا می‌نهد. آموزه‌های اجتماعی که بخش مهمی از این آموزه‌ها در قالب احکام اجتماعی و با نگاهی کلان به حضور فرد در اجتماع بیان شده است که از آنها می‌توان بعنوان راهکارهایی دینی در حفاظت از محیط‌زیست یاد کرد. از جمله این راهکارها می‌توان به تدوین قوانین زیست‌محیطی و تضمین اجرای صحیح و کامل قوانین و مقررات زیست‌محیطی توسط حکومت اسلامی دانست و حکومت اسلامی باید با استفاده از قوه قهریه جلوی کسانی که در بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط‌زیست پا را از حد اعتدال فراتر نهاده‌اند برخورد نماید. همچنین تاکید اسلام بر آموزش همگانی محیط‌زیست و راه‌های حفاظت و حمایت آن را شامل می‌شود. یکی دیگر از آموزه‌های اجتماعی اسلام در حفاظت از محیط‌زیست را می‌توان امر به معروف و نهی از منکر دانست چرا که در زمینه حفاظت از محیط‌زیست عموم مردم خود را در آن سهیم می‌دانند و نوعی نظارت عمومی برچگونگی استفاده از منابع و حفظ محیط را فراهم می‌نماید. از دیگر آموزه‌های اجتماعی دین مبین اسلام می‌توان به بهره‌گیری اصولی از جنگل‌ها و مراتع و منابع حیوانی اشاره کرد و بهره‌گیری از این منابع باید بگونه‌ای باشد که به حد مجاز تجدیدپذیری آن منبع صدمه‌ای وارد نشود و همچنین موجبات پایداری آن ذخایر طبیعی را فراهم نماید.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- احمدی، احمد (۱۳۶۴)، «اسلام و محیط‌زیست»، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، ش ۲.
- ۲- اصغری لقمجانی، صادق (۱۳۷۸)، «مبانی حفاظت محیط‌زیست در اسلام»، چ ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۳- اکبری‌راد، طیبه (۱۳۸۷)، «حفظ محیط‌زیست از دید قرآن و روایات»، مجله نامه الهیات، ش ۵.
- ۴- بابایی‌مهر، علی (۱۳۸۹)، «مبانی حقوق محیط‌زیست با نگرشی بر اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله کانون وکلاء، ش ۲۰۹.
- ۵- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، «سیاست‌گذاری‌های سیاسی_ حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حفاظت از محیط‌زیست»، مجله دانش سیاسی، س ۵، ش ۱.
- ۶- تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۶)، «چگونگی حمایت از محیط‌زیست در فقه اسلامی»، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۱۰.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، اسلام و محیط‌زیست، چ ۱، قم: نشر اسراء.
- ۸- رجبی باقرآباد، مصطفی (۱۳۹۳)، «قرآن، طبیعت و حقوق آن از منظر دو تفسیر فقهی شیعه و سنی»، فصلنامه اخلاق زیستی، ش ۱۲.
- ۹- عابدی سروستانی، احمد و دیگران (۱۳۸۶)، «ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست‌محیطی با تاکید بر دیدگاه اسلامی»، فصلنامه اخلاق در علوم فناوری، ش ۲.
- ۱۰- فخلعی، محمد و دیگران (۱۳۸۵)، «مبانی و احکام فقهی محیط‌زیست»، مجله مطالعات اسلامی، ش ۷۱.
- ۱۱- فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۵)، «محیط‌زیست: مشکلات و راه‌های برون‌رفت از منظر اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۲.
- ۱۲- فیروزی(الف)، مهدی (۱۳۸۲)، «حق بر محیط‌زیست در اسناد بین‌المللی و اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق، دانشگاه مفید قم.
- ۱۳- فیروزی(ب)، مهدی (۱۳۸۴)، «مبانی حق برخورداری از محیط‌زیست سالم در قرآن»، مجله رواق اندیشه، ش ۴۲.
- ۱۴- گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۸۹)، حقوق زیست‌محیطی بشر، چ ۱، تهران: انتشارات دادگستر.
- ۱۵- محقق داماد(الف)، سید مصطفی (۱۳۷۶)، «طبیعت و محیط‌زیست انسان از دیدگاه اسلام»، فصلنامه رهنمون، ش ۳.
- ۱۶- محقق داماد(ب)، سید مصطفی (۱۳۸۸)، قواعد فقه، چ ۱۹، تهران: مرکز نشر اسلامی.
- ۱۷- محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۰)، قواعد فقه، چ ۵، تهران: نشر دادگستر.

- ۱۸- یوسفوند، محمد (۱۳۸۴)، **تعریف محیط زیست و اقسام آن**، مجموعه مقالات اولین همایش فقه و محیط-زیست، قم.
- ۱۹- نبوی، سید عبدالحسین و شهریاری، مرضیه (۱۳۹۳)، «دین، اخلاق و محیط زیست»، **فصلنامه انسان و محیط-زیست**، ش ۲۹.
- ۲۰- نقی زاده، محمد (۱۳۸۲)، «جهان بینی و حفاظت محیط زیست»، **مجله نامه فرهنگستان علوم**، ش ۲۲.
- ۲۱- نورانی، محسن (۱۳۹۱)، «جهان بینی قرآنی و محیط زیست»، **مجله علوم قرآنی و حدیث**، ش ۱۶.

عربی:

- ۲۲- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳)، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۸، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ۲۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، **المفردات فی غریب القرآن**، ج ۱، دمشق: دارالعلم.
- ۲۴- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۰۰)، **فی الضلال القرآن**، ج ۱، ج ۹، بیروت: نشر دارالشروق.
- ۲۵- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی التفسیر القرآن**، ج ۱۹، ج ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۲۶- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۰۲)، **المیزان فی التفسیر القرآن**، ج ۶، ج ۴، قم: انتشارات اسلامی.
- ۲۷- لوئیس مالوف، الاب (۱۹۸۷)، **المنجد فی اللغه و الادب و العلوم**، ج ۲۰، بیروت: مکتبه الابهاء السیوعین.
- ۲۸- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، **بحار الانوار**، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت: الطبعة: الثالثة المصححة.
- ۲۹- نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۲۷، ج ۷، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ۳۰- نوری، حسین (۱۴۰۸)، **مستدرک الوسائل**، ج ۱، قم: مؤسسه آل البیت